

# روستاها معلو از اگران های مردمی

جشنواره عمار: سال تحویل سینمایی جبهه فرهنگی انقلاب  
پناهنده گی فرهنگی در «نسخه آندلس»  
همشاکردی ها از ۳ خون شانزده آذر می گویند  
از تواضع تا شجاعت در «ابو و هب»

## ششمین جشنواره مردمی عمار

نشریه روزانه ششمین جشنواره مردمی فیلم عمار  
شماره هشتم - شانزدهم دی ماه ۱۳۹۴  
6th ammar popular film festival







### نقد و بررسی مستند «گنج پنهان»

## قبل از محرومیت زدایی باید فرهنگ جهادی را به مردم منتقل کنیم

کنیم و بعد از طی مراحل در نهایت استان خوزستان را برای فعالیت‌های خود انتخاب کردیم.

وی اضافه کرد: در ادامه فعالیت‌های خود در گروه وارثین اقدام به برگزاری دوره‌های آموزشی در خوزستان و یکی از منطقه‌های جنوب آن کردیم؛ سپس بر روی کشور عراق متمرکز شدیم زیرا این کشور دارای جایگاه مهمی برای ایران بود.

در انتهای این نشست نقد و بررسی سید بشیر حسینی استاد دانشگاه در سخنانی، گفت: کارکردهای سفرهای جهادی صرفاً ساخت و ساز و محرومیت زدایی نیست، بلکه سفرهای جهادی باید ذهنیت مردم مناطق محروم را تغییر داده و موجب شود آنها در جهت محرومیت زدایی خود حرکت کنند.

وی افزود: ما در قالب سفرهای جهادی باید به سمت و سوی درون زاشدن برویم و نگاه توسعه‌ای در جهت محرومیت زدایی را گسترش بدهیم البته در این مسیر بهتر است تا نهادهای نظامی پای خود را از سفرهای جهادی بیرون بکشند.

این استاد دانشگاه ادامه داد: متأسفانه از منظر هرگاه در سفرهای جهادی اینگونه نگاه کردیم که قصد آباد کردن و محرومیت زدایی را داریم بدتر زدیم و خراب کردیم تا اینکه در جهت محرومیت زدایی گام برداریم.

حسینی خاطرنشان کرد: ما باید در مورد سفرهای جهادی ابتدا به فکر خودسازی نیروهای جهادگر باشیم و سپس به دنبال محرومیت زدایی حرکت کنیم. این استاد دانشگاه در پایان تصریح کرد: بزرگترین آسیب سفرهای جهادی نگاه آباد کردن محض به مناطق محروم به جای وادار کردن آنها برای سعی و تلاش برای محرومین زدایی خود است و سفرهای جهادی ابتدا باید انسان سازی و بیدارسازی کرده و سپس دست به محرومیت زدایی بزند.

نشست نقد و بررسی مستند «گنج پنهان» به کارگردانی «محسن اردستانی» و با حضور «حجت الاسلام رشیدی زاده» مسئول گروه جهادی تبلیغی منتظران مهدی (عج)، «علیرضا صادقی» مسئول گروه وارصین و «سید بشیر حسینی» استاد دانشگاه در طبقه سوم سینما فلسطین برگزار شد.

حجت الاسلام رشیدی زاده، مسئول گروه جهادی تبلیغی منتظران مهدی (عج) در ابتدای نشست نقد و بررسی این مستند در سخنانی، گفت: روستای «قلعه گنج» در جنوب استان کرمان قرار دارد. این روستا در حدود ۱۴ هزار متر مربع بوده و دارای ۸۵ هزار نفر جمعیت است؛ نکته تأسف‌آور اینکه چیزی حدود ۳۵ درصد از جمعیت این روستا تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) هستند.

مسئول گروه جهادی تبلیغی منتظران مهدی (عج) ادامه داد: بر این اساس تصمیم گرفتیم تا این موضوع را رسانه‌ای کنیم تصمیم گرفتیم تا بیان کنیم که مردم کشور بدانند جایی در ایران اسلامی وجود دارد که از چنین وضعیتی برخوردار است.

مسئول گروه جهادی تبلیغی منتظران مهدی (عج) یادآور شد: ما با ساخت و نمایش این مستند به دنبال این موضوع هستیم که بیان کنیم وضعیت این روستا و این منطقه اصلاح شده و از وضعیت فعلی خود خارج شود. نتیجه‌ای هم که از وضعیت این روستا می‌توان گرفت این است که برای این منطقه و مردم آن فکر درست و یا برنامه ریزی مناسبی تا به امروز صورت نگرفته است.

علیرضا صادقی مسئول گروه وارثین نیز که در این نشست حضور داشت در سخنانی، گفت: پیرامون فعالیت گروه وارثین که فعالیتش در سال ۱۳۸۹ و به دنبال سیلی که در کشور پاکستان کلید خورد و بعد از این سفر به پاکستان بود که تصمیم گرفتیم ضمن آموزش این مدل به دوستان خود در «جامعه المصطفی» که در کشورهای مختلفی حضور دارند آن را در ایران نیز پیاده



محمدیان در کارگاه فرآیند تولید انیمیشن حرفه‌ای

## شتاب‌زدگی در ساخت فیلم‌های انیمیشنی

«سینما» و «هنرهای تجسمی» است. و در این کارگاه بیشتر تکیه من روی هنرهای تجسمی است؛ اگر بخواهم به مراحل کار ساخت در این حوزه بپردازم ذکر این نکته در ابتدا لازم است که «نبودن هزینه» و «زمان کافی» یکی از مشکلات سرراه ما در تولید فیلم انیمیشنی است و این باعث شده تا بعضی از مراحل کار، حذف شود و این علت تفاوت انیمیشن ایران با کشورهای مثل آمریکا یا کشورهای اروپایی است.

وی گفت: به طور مثال در جشنواره عمار به خاطر راحتی دسترسی به ابزار کار هر سال به تعداد تولیدکنندگان فیلم‌ها در این جشنواره افزوده می‌شود، در حالی که افراد آشنایی چندانی با دانش کار ندارند و کار را حرفه‌ای دنبال نمی‌کنند البته این به معنای بیان ضعف جشنواره عمار نیست شاید قدم ابتدایی است که باید برداشته شود. اما در فیلم‌سازی قصه مهم است و به ویژه در ساخت انیمیشن قصه گفتن اهمیت زیادی دارد. انیمیشن در واقع دنیای مثالی است و تصویر در این حوزه یک تصویر خیالی و ابهام‌دار است. نشان دادن تصویر ذهنی که در خیال شکل می‌گیرد در قالب انیمیشن کار آسانی نیست. برای این امر آرایه‌های ادبی دخیل هستند و استفاده از آن‌ها کار دشواری است. این موضوع از نکات پایه‌ای در ساخت انیمیشن است. لذا لازم است در ابتدا ما تکلیف خود را در برابر آن مشخص کنیم و باید آن راز حوزه‌های دیگر مثل کمیک و غیره جدا کنیم. در واقع برای تولید فیلم انیمیشنی مسیر مشخص است.

به گزارش خبرنگار «نشریه روزانه جشنواره مردمی فیلم عمار»؛ در هفتمین روز جشنواره مردمی عمار، کارگاه آموزشی «آشنایی با فرآیند تولید انیمیشن حرفه‌ای» با مدرس «هادی محمدیان» کارگردان انیمیشن سینمایی شاهزاده روم برگزار شد.

«هادی محمدیان» در ابتدای جلسه به حرفه‌ای نگاه نکردن ساخت انیمیشن در ایران اشاره کرد و گفت: کار انیمیشن در ایران، زیاد جدی گرفته نمی‌شود و نوعی شتاب‌زدگی و عدم حرفه‌ای دیدن این حوزه، در ساخته‌ها دیده می‌شود. و این امر نیز ناشی از پیشرفت تکنولوژی و دسترسی بودن ابزار کار برای همگان است. در واقع یک فرد با فراهم ساختن ابزار فنی کار خیلی راحت می‌تواند دست به تولید یک فیلم کوتاه انیمیشنی بزند بدون آن‌که دانش مورد نیاز آن را فرا گرفته باشد. در گذشته این طور نبود و دسترسی به ابزار و وسایل تکنیک سخت بود. این در دسترس بودن تکنولوژی باعث شده است افراد به راحتی وارد این حوزه شوند.

وی در ادامه گفت: امروز یکی از دغدغه‌های من همین عدم تولید انیمیشن در شکل استاندارد آن است. به نوعی گویا افراد از وسط راه وارد می‌شوند و با یاد گرفتن شکل کار در نرم‌افزارها بدون فراگرفتن مقدمات، تولید را شروع می‌کنند. در حالی که برای کار حرفه‌ای و قابل قبول آموختن مقدمات کار ضروری و مهم است.

کارگردان شاهزاده روم در ادامه سخنان خود گفت: انیمیشن، تکنیکی از









## فیلمی که نساخته ایم!

**فیلم نامه یکی از ارکان مهم جهت تولید آثار سینمایی است و بسیاری از فیلم سازان از نبود فیلم نامه مناسب به عنوان یکی از معضلات تولید آثار سینمایی یاد می‌کنند؛ جشنواره عمار نیز یکی از اهداف خود را معرفی سوژه‌های جدید به سینمای ایران می‌داند؛ از این رو در این بخش به معرفی تعدادی از فیلم نامه‌های ارسالی به این دوره از جشنواره می‌پردازیم.**



### همسر

**نویسنده: علیرضا محصولی**  
**داستانی کوتاه**



#### خلاصه اثر

داستان زوجی مقید و مذهبی است که بخاطر نیاز مالی هر دو کار می‌کنند. زن در آژانس هواپیمایی کار می‌کند و شوهر سرویس کار آسانسور و پله برقی است. زن در محل کارش بخاطر رئیس شرکت مجبور می‌شود برای جذب مشتری آرایش کند، وقتی شوهرش از محل کارش دنبال همسرش می‌رود، او را بدون چادر و آرایش کرده می‌بیند، اما به روی خودش نمی‌آورد و به همسرش می‌گوید که دیگر سرکار نرود.

#### نمایی از اثر

دوربین در مسیر یک صف طولانی اتومبیل‌ها را دنبال می‌کند. صف پمپ بنزین است، راننده‌ها کلافه و خسته یا با بغل دستی شان صحبت می‌کنند و یا سربه فرمان، چرتی می‌زنند. یک موتور از کنار ماشین‌ها رد می‌شود و جلومی‌رود. ما آن را دنبال می‌کنیم. یک مرد ۲۸ ساله (حمزه) و یک زن ۲۵ ساله (شیوا) سوار بر موتورند. چند قدمی مانده به پمپ بنزین، شیوا از موتور پیاده می‌شود؛ جلو میرود و منتظر حمزه می‌ایستد تا بنزین بزند. حمزه هم راهش را بین ماشین‌ها باز می‌کند تا می‌رسد به یک پمپ بی صاحب و شروع می‌کند به بنزین زدن.

قطع به:

حمزه موتورش را روشن می‌کند. می‌خواهد برود اما نه از بین ماشین‌های جلویی و پمپ‌ها می‌تواند تکان بخورد و نه از بین ماشین‌های پشتی اش.

-راننده ماشین عقبی: چیه آقا؟! دیر اومدی می‌خوای زودم بری؟ یه دقیقه وایسا دیگه.

حمزه هیچ نمی‌گوید و ساکت می‌شود. شیوا با اشاره سراز حمزه می‌پرسد که چه شده است. حمزه هم اشاره می‌کند که هیچی. راننده ماشین جلویی سوار ماشین می‌شود.

قطع به:

حمزه و شیوا روی موتور در خیابان‌ها مشغول حرکت اند.

-شیوا: زرشک پلو خوبه

-حمزه: خوبه

-شیوا: آره میشه ته چینش هم بکنیم. ماست هم باید بگیریم

-حمزه: میوه داریم؟  
-شیوا: یه ذره سیب و خیار داریم. یکی دو تا موز هم هست.  
حمزه هیچ نمی‌گوید.  
-شیوا: حمزه ببخشید.  
-حمزه: اشکال نداره  
-شیوا: آخه راست می‌گی. نباید توی این موقعیت دعوتشون می‌کردم.  
-حمزه: گفتم که، اشکال نداره. حالا من دیشب یه چیزی گفتم. بعدش هم تو که دعوت نکردی. مادر جان خودش گفت فردا شب می‌خواهیم بیایم.  
-شیوا: آخه من می‌تونستم بگم... نمی‌دونم یه چیزی سرهم کن که نیان.  
-حمزه: گفتم که. ولش کن. قدمشون هم روی چشم. عصری هم خودم میام دنبالت بریم چهار تا چیز بخریم واسه شب.  
-شیوا: کارت چی؟  
-حمزه: تا چهار، چهار و نیم جمع و جورش می‌کنم میام. تو توی آژانس باش تا پیام.  
-شیوا: دستت درد نکنه. (کمی بعد) راستی حمزه. می‌گم اگه جای دیگه پیدا کردم می‌خوام برم جای دیگه.  
-حمزه: چطور؟ مگه اونجا چشه؟  
-شیوا: طوری نیست. ولی خوشم نمی‌آد.  
-حمزه: تو که تازه رفتی اونجا. خودت می‌گفتی آژانس هواپیمایی حقوق از بقیه جاها بیشتره؟  
-شیوا: آره... (مکت طولانی)... آخه اینجا تا ۵ می‌بنده. می‌گم برم یه آژانس که لااقل تا هفت، هشت باز باشه. اینطوری هم حقوقش بیشتره، هم شبا با هم برمی‌گردیم خونه.  
-حمزه: نه بابا. نمی‌خوام خودت رو خسته کنی. همون خیاطی هم که تو خونه می‌کردی، خیلی کمک خرج بودی.  
-شیوا: آخه خیاطی که اینقدر حقوق نداشت. الان چهار تا کاغذ پر می‌کنم، چهار تا دکمه هم تو کامپیوتر می‌زنم.  
حمزه هیچ نمی‌گوید. بدون این که رویش را برگرداند لبخند می‌زند....



## جشنواره عمار؛

# سال تحویل سینمایی جبهه فرهنگی انقلاب

### مهدی آذرپندار

به ورشکستگی نزدیک شد و هیچ وقت چنین موضوعی باعث جذب مخاطب به سینما نشد، کما اینکه در سال ۵۶ سینمای ایران ورشکسته شد.

در حال حاضر هم تا حدودی چنین وضعی در حال رخ دادن است، بنابراین به تناسب وجود این موارد، سینمای ما نیاز به سانسور و ممیزی دارد، به دلیل این که در بعضی موارد، واقعیات را وارونه نشان می‌دهد یا چیزهایی را نمایش می‌دهد که دلیلی ندارد در سینما وجود داشته باشند. بنابراین سینمای ما از هر دو جهت دچار ایراد است چه از این جهت که نیاز به سانسور دارد و این اتفاق نمی‌افتد مگر با فشار افکار عمومی جامعه و چه از این جهت که بسیاری از موضوعات انقلاب اسلامی را سانسور می‌کند.

نکته جالب این است که هر قدر که ما از این سانسور کردن ابا داریم، طرف دیگر با افتخار موضوعات انقلاب اسلامی را سانسور می‌کند و در این وضعیتی که سینمای ایران به آن دچار شده است عده اندکی رضایت دارند و جماعت کثیری هم اصلاً خبر ندارند چه اتفاقی در حال روی دادن است.

در واقع مشکل سینمای ایران، از جایی شروع می‌شود که برای غالب فعالان آن، اصلاً مهم نیست که گیشه پر شود، چرا که دولت به برخی از فیلم‌ها و گروه‌های خاص بودجه می‌دهد. تهیه‌کننده‌ای داریم که در ۱۵ فیلم آخرش، دچار شکست عظیم تجاری شده است ولی ضرری نکرده است در واقع در چنین سینمایی شکست فیلم در گیشه معنایی ندارد، چرا که با پول‌هایی که در حوزه تولید گرفته‌اند یا وام‌های برخی نهادها هزینه خود را تأمین می‌کنند.

نکته دیگر این است که مردم از چه زاویه و طریقی به سمت گیشه جذب شوند، از طریق برخی چیزهایی که ممکن است برای هرکسی جذابیت داشته باشد مثل فیلم‌فارسی‌های قبل انقلاب که برخی چنین کاری می‌کنند یا این که اصلاً مردم اهمیتی ندارند چرا که فیلم برای جشنواره‌های خارجی و منتقدان ساخته شده است.

هر سال، جشنواره عمار، سال تحویل سینمایی جبهه فرهنگی انقلاب است و از آن سال به بعد، به واسطه عمار، چهره‌های جدید و بیش‌تری بر سر این سفره حاضر می‌شوند.

دیدگاه فیلمسازی که در جشنواره عمار حضور دارد، درباره سینمای ایران قابل پیش‌بینی است چرا که عمار به این خاطر شکل گرفت که منتقد فضای سینمای کشور بود.

به عنوان کسی که افتخار حضور به عنوان داور در این جشنواره را داشتم نسبت به سینمای ایران از دو جهت نظر انتقادی دارم؛ سینمای ما هم نیاز به سانسور دارد و هم از طرف دیگر سانسور می‌کند. اگر تا مدتی پیش، فکر می‌کردم هنرمندان به دلیل بی‌دغدغه بودن، سراغ موضوعات و مسائل انقلاب اسلامی نمی‌روند، اکنون با اطمینان می‌توانم بگویم که جریان‌اتی در سینمای ایران وجود دارد که مانع از حرکت سینما به موضوعات انقلاب اسلامی می‌شود.

به طور مثال وقتی می‌بینیم فیلمساز مشهوری که بعد از ۳۰ سال کار کردن در سینمای ایران، وقتی می‌خواهد فیلمی درباره مسئله هسته‌ای بسازد تعدادی از بازیگرانش قرارداد خود را لغو می‌کنند، مؤید این موضوع است که در این سینما، کار کردن درباره انقلاب و هر یک از موضوعاتی که در حوزه مسائل نظام باشد، به شدت سخت و پرهزینه است.

شما اگر فیلمنامه‌ای درباره موضوعات مربوط به انقلاب اسلامی داشته باشید، با عباراتی مثل «من اگر بخواهم در این فیلم بازی کنم، پول دو سال بیکاری‌ام را می‌گیرم» و حتی عباراتی مثل «پول خون» از طرف بازیگران مواجه می‌شوید. بنابراین بخاطر جریان‌ات حاکم بر سینمای ایران که شاید عده خیلی کمی هم باشند، اگر کسی بخواهد در پروژه‌های منتسب به نظام فعالیت کند، بخصوص از سال ۸۸ به بعد، باید پیه بیکاری، بایکوت و منزوی شدن در سینمای ایران را به تنش بمالد و همین مسائل هم سینماگران را از ورود در چنین موضوعاتی می‌ترساند.

از طرف دیگر، سینمای ما، نیاز به سانسور دارد؛ در سینمای قبل از انقلاب و در دهه ۵۰ هر قدر سینما که به طرف مسائل غیراخلاقی پیش رفت

**اگر با جشنواره عمار که مثل یک راهپیمایی فرهنگی است همراه شویم، می‌بینیم که به طور مثال جبهه فرهنگی انقلاب در کدام حوزه ضعف دارد و در کدام حوزه رشد داشته است که از این جهت هم حرکت خیلی مهمی است چرا که در واقع آینه تمام‌نمای اتفاقات جبهه فرهنگی انقلاب است و هم قوت قلبی برای مردمی که در سینمای کشور به رسمیت شناخته نمی‌شوند.**





انقلاب است و هم قوت قلبی برای مردمی که در سینمای کشور به رسمیت شناخته نمی شوند.

نفس این موضوع که عمار برای مردم فیلم بسازد به شدت ارزشمند است اما هنوز برای پاسخ به این سوال که، عمار در فضای کلی سینمای ایران چه تأثیری گذاشته است، زود است؛ سینما، یعنی آثار داستانی که عمار در این بخش به شدت نوپاست ولی در بخش مستند اتفاقات خیلی خوبی افتاده است و تعداد زیادی مستندساز داریم که می توانیم به آن ها تکیه کنیم؛ در حوزه داستانی، هنوز عمار در حال تجربه کردن است و نمی توان گفت روی سینما به معنای بلیت فروشی و کسب حرفه ای تأثیر خاصی گذاشته است.

در سینمای ما، اگر فیلمساز، برای مردم فیلم بسازد، خیلی از مشکلات حل می شود و اگر در جشنواره عمار، تنها همین یک مورد، پیگیری شود که فیلمسازها به دنبال این موضوع بروند و اسلوب شان را با نیاز مردم تنظیم کنند، تجربه نشان داده است که از خیلی از آفت های مسیر روشنفکری در امان می مانند.

در دوره های مختلف عمار، به ویژگی های برجسته آن مثل تنوع موضوعی اش، صراحت و جسارت در بیان سوزها، اکران های مردمی و اتفاقات زیاد دیگری بالیدیم ولی از دوره های بعدی عمار، باید تمرکز روی کیفیت آثار قرار گیرد و کم کم باید به این سمت حرکت کند که با آثار، فیلمسازان و مستندسازانش شناخته شود. به عنوان مثال، اگر مستندسازی، تا پیش از این مستندی صرفاً گزارشی ساخته بود، اکنون باید اثری روایی بسازد.

قطعا، جشنواره عمار، در دوره های بعدی خودش، ضمن پای بندی به تنوع موضوعی و توجه به مسائل روز کشور، به رسالتش در آشتی دادن برخی اقشار با حوزه سینما و نیز تولید مستند، انیمیشن و ... جامعه عمل می پوشاند و از این جهت، نگرانی وجود ندارد.

موضوعی که باید جدی تر مورد توجه عمار قرار گیرد، بحث کیفیت آثار است، اگر هر سال، جشنواره محلی باشد که برای شناسایی چهره های مستعد و لو غیر حرفه ای که با اندکی آموزش می توانند به فیلمسازان حرفه ای تبدیل شوند، می توان گفت که هر سال، جشنواره عمار، سال تحویل سینمایی جبهه فرهنگی انقلاب است و از آن سال به بعد، به واسطه عمار، چهره های جدید و بیش تری بر سر این سفره حاضر می شوند.

خیلی ها به این موضوع امید بستند تا در چند سال آینده، این افراد و استعداد هایی که در عمار دیده می شوند، بتوانند قله های کیفی سینمای ایران را فتح کنند و برای این اتفاق باید صبر کرد، البته جشنواره عمار باید مراقب باشد تا به رقابت محض تبدیل نشود، آفت جشنواره این است که افراد، فقط فیلم بسازند تا فانوس آن را بگیرند، در جشنواره مردمی، فیلم باید ساخته شود تا به دست مردم برسد.

مشکل

اصلی سینمای ایران این

است که مردمی که به سینما می روند، محسوب می شوند و مردمی که سینما نمی روند به حساب نمی آیند، به عبارت دیگر سینمای ایران این مردم را به رسمیت نمی شناسد و هر چیزی راجع به سینما مطرح شود مثل استقبال خوب یا بد درباره مردمی است که سینما می روند، در حالی که جمعیت زیادی سال هاست که به سینما نمی روند.

در حال حاضر جشنواره عمار، در حوزه فیلم مستند، داستانی کوتاه و انیمیشن با قوت حضور دارد ولی هنوز در فضای سینمای ایران، ورود نکرده است. **عمار، در شرایطی شروع شد که رسانه ها و فعالان انقلاب اسلامی را بایکوت می کنند** و راهپیمایی ۲۲ بهمن، تبدیل به رسانه ای می شود که این افراد و جریان هم در قاب تلویزیون دیده شوند، در حالی که قبلا این تعداد زیاد دیده نشده بودند.

حال سوالی که پیش می آید این است که این جمعیت بزرگ تا بحال کجا بودند و چرا دیده نمی شدند، جشنواره عمار هم چنین کاری می کند، یعنی یک راهپیمایی فرهنگی است از این جهت که به گونه ای عرض اندامی برای جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی است که نشان دهد با تعداد زیادی آثار، اکران کننده مردمی، تنوع موضوعی و سطح کیفی در صحنه حضور دارد، گرچه سایر جشنواره ها این آثار را بایکوت می کنند. این امر از این جهت خیلی اهمیت دارد که آثاری را که دیگران بایکوت می کنند یا در حاشیه قرار می دهند، در عمار اصل قرار می گیرند و این افراد احساس می کنند در جمعی از جنس خودشان هستند و از طرفی، جریان مقابل هم احساس می کند که این حرکت، هر سال روبه رشد است.

اگر با جشنواره عمار که مثل یک راهپیمایی فرهنگی است همراه شویم، می بینیم که به طور مثال جبهه فرهنگی انقلاب در کدام حوزه ضعف دارد و در کدام حوزه، رشد داشته است که از این جهت هم حرکت خیلی مهمی است چرا که در واقع آینه تمام نمای اتفاقات جبهه فرهنگی



## پناهندگی فرهنگی در «نسخه آندلسی»

**حسام الدین احمدزادگان، متولد ۱۳۶۸ در تهران و دارای مدرک کارشناسی ارشد عمران است؛ و برای دومین سال متوالی با ارائه آثاری پیرامون معضلات فرهنگی در جشنواره عمار حضور به رسانده است.**

### چطور وارد عرصه فیلم سازی شدید؟

معمولا آدم ها به واسطه شرایط پیرامونی انتخاب های خود را انجام می دهند و به موضوعات مختلف تمایل و علاقه مندی نشان می دهند؛ یکی از این مسائل دغدغه افراد نسبت به شرایط جامعه است؛ جامعه ما، جامعه ای سیاسی است که رقابت ها و جریانات مختلف فکری در این حوزه، تاثیر فراوانی بر فرهنگ ما می گذارند؛ از این رو بر آن شدم تا برای نشان دادن هویت فرهنگی جامعه آثاری را به تولید و نمایش برسانم که نتیجه آن ۵ مستند از جمله «زندگی آمریکایی»، «بهای برهنگی» و «نسخه آندلسی» است.

### مستند «نسخه آندلسی» با چه رویکردی ساخته شده ؟

«نسخه آندلسی» مستندی کارشناس محور است که با هدف زدن تلنگر به جامعه تولید شده و سعی کرده تا مسائل فرهنگی را به صورت تیتروارد مطرح کند و مثال ها و بحث هایی که نیاز امروز جامعه در زمینه فرهنگی است را مطرح کند؛ چرا که ممکن است بسیاری از افراد متوجه تلاش دشمن جهت استحاله فرهنگی نباشند و این معرفی ها در مسیر پیش روی آنها موثر واقع شود.

یکی از مشکلاتی که دست به گریبان آن هستیم و در این مستند مورد اشاره قرار گرفته مسئله پناهندگی فرهنگی است؛ چرا که افراد بسیاری در جامعه به آن دچارند بدون آنکه متوجه چنین مسئله ای باشند. در پناهندگی سیاسی افراد به کشور ثانویه می روند اما در پناهندگی فرهنگی سبک و سیره زندگی در کشور های دیگر غربی را در زندگی خود جاری می کنند و هویت خود را به تدریج به فراموشی می سپارند. اگر بخواهم مثالی در این مورد بزنم باید به کشور ترکیه که در همسایگی ماست اشاره کنم؛ کشوری که مردم آن سابقه زیادی در دین داری داشتند اما حکام گذشته آن استحاله فرهنگی را پذیرفتند و میان مردم و تاریخ و هویت شان انفصال ایجاد کردند و این مهم در دراز مدت اثرات سویی بر جامعه وارد می کند.

### در این مستند مشخصا کدام مقوله فرهنگی را مورد توجه قرار داده اید؟

در این مستند به ریشه یابی مسائل فرهنگی جامعه با محوریت حجاب، مشکلات خانواده و ناهنجاری های رفتاری پرداخته شده است و در بیان آن از موضع اطلاع رسانی اقدام کرده ایم تا پشت پرده بسیاری از اتفاقاتی

که نتایج آن خانواده ها را دچار آسیب می کند، به مردم بنمایانیم. ما در این مستند تصمیم بر موعظه و نصیحت نداشتیم بلکه نتایج استحاله فرهنگی را بازنمایی کرده ایم تا یکی از سوالات رایج این روزها یعنی کم شدن احساس آرامش در افراد و خانواده ها را ریشه یابی کنیم که برای دستیابی به این منظور نگاهی به گذشته کشور و مسیر فرهنگی طی شده از سوی خانواده ها و افراد داشتیم.

بسیاری از مشکلات جامعه ریشه در جهل خانواده ها نسبت به تربیت فرزندان خود دارد و دشمن با شناختی که از این نقطه ضعف در شکاف میان والدین و خانواده ها و گسست فرهنگی دارد، اهداف خود را به وسیله رسانه دنبال می کند؛ از این رو شناخت پشت پرده فیلم ها و برنامه های رسانه دشمن می تواند تا حدودی مانع از دستیابی آنها به اهدافشان شود.

### در پناهندگی سیاسی افراد به کشور ثانویه می

### روند اما در پناهندگی فرهنگی سبک و سیره

### زندگی در کشور های دیگر غربی را در زندگی

### خود جاری می کنند و هویت خود را به تدریج

### به فراموشی می سپارند.

به نظر شما توجه به چه نکته ای منجر به تقویت فیلمسازان متعهد کشور می شود؟ بسیاری از بازیگران و عوامل سینما و تلویزیون را علاقه مندان به نظام تشکیل می دهند، استفاده از این افراد در ارائه تولید آثاری همسو با اهداف و آرمان های انقلاب می تواند به رشد و بالندگی هنر متعهد کمک کند.

مسئله دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، پیگیری آموزش ها برای فیلمسازان جوان است؛ چرا که بسیاری از شرکت کنندگان جشنواره عمار به دلیل دغدغه های انقلابی و دینی وارد این عرصه شدند و اگر بخواهیم در آینده فیلم ها را با کیفیت بالاتر ارائه دهیم باید به آموزش توجه جدی داشته باشیم و در کنار آن نیز بازخورد مردمی آثار را به فیلمسازان منتقل کنند تا با شناخت ضعف ها و قوت آثار و شناخت از علاقه مندی مردم، در آثار بعدی خود موفق تر عمل کنند.

### آشنایی شما با جشنواره عمار به کدام دوره بر می گردد؟

تقریبا از دوره پنجم بود که به واسطه تبلیغات و معرفی دوستان، با جشنواره عمار آشنا شدم؛ جشنواره عمار فرزندی است که ای کاش آن زمان که مقام معظم رهبری بحث شبیخون فرهنگی را در دهه ۷۰ مطرح کردند، به دنیا می آمد؛ چرا که می توانست تا حد مطلوبی از شکل گیری اشتباهات و کجروی ها در جامعه جلوگیری کند، اما با این حال جشنواره عمار با هدفی ارزشمند شکل گرفت و با استفاده از تمام ظرفیت ها می تواند به موفقیتی روزافزون برسد.



## تجربیات «جنبش حیا» در «یادم تو را فراموش»

محمد ناصری فرکارگردان فیلم «یادم تو را فراموش» در گفت و گو با خبرنگار «نشریه خبری روزانه جشنواره مردمی فیلم عمار» در خصوص اثری که به جشنواره تحویل داده، گفت: محتوای این فیلم داستانی کوتاه، مبنی بر احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر بود و برای برطرف کردن معضلات این موضوع و مطرح کردن درست آن در جامعه، از مصادیق مختلفی استفاده کردیم و در این شش قسمت به مواردی غیر از حجاب که تنها مصداق مطرح شده در جامعه است، پرداختیم.

ناصری فر با اشاره به این که مخاطب اثر، دانشجویان بوده اند عنوان کرد: موضوعات عنوان شده، مصادیقی چون کم کاری دانشجویان و اساتید، حق چاپ کتب و جزواتی که هست، حق الناس هایی که می تواند در دانشگاه مطرح شود و در نهایت به مسئله حجاب هم پرداختیم.

وی در خصوص سوژه این اثر تاکید کرد: دغدغه ما باعث ساخته شدن این اثر شد که نه تنها به فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر پرداخته نمی شود، بلکه آن معدود افرادی که در این حوزه کار می کنند، با برداشت غلط از این مسئله صحیح اجتماعی، باعث تخریب آن می شوند.

کارگردان فیلم «یادم تو را فراموش» در ادامه گفت: محتوای اصلی این داستان، به دلیل این که از دل خود دانشجویان گرفته شده بود و هر شش قسمت بر اساس یک واقعیت بود، مخاطبین دانشجویان با این مجموعه حس همذات پنداری خوبی برقرار می کند و به همین خاطر، از این مستند به طور کلی راضی بودم و احساس می کنم به آن هدفی که می خواستیم رسیدیم.

وی در خصوص شیوه پرداخت اثر عنوان کرد: هر قسمت از این اثر یک سوژه داشت که بر مبنای واقعیتی خاص بیان شده بود و ما سعی کردیم به صورت داستان و خاطره در غالب کمیک موشن این اثر ایجاد شد.

ناصری فر، با اشاره به جنبش حیا، به عنوان تشکل حامی این مستند عنوان کرد: در سایت این مجموعه قسمتی وجود دارد که آمرین به معروف خاطرات خود را ثبت می کنند و ما از خاطرات برتری که می توانستیم استفاده بکنیم الهام گرفتیم و هر کدام از قسمت ها بر اساس یک اتفاق واقعی با کمی داستان پردازی به وجود آمده است.

محمد ناصری در خصوص جنبش حیا عنوان کرد: این جنبش یک تشکل دانشجویی فرهنگی بود که اهداف آن گفتمان سازی و احیاء امر به معروف در جامعه بود، ولی در سال گذشته با گسترش فعالیت ها، به یک جنبش مردمی دانشجویی تبدیل شده است که با احیاء امر به معروف و نهی از منکر با تاکید بر فرمایشات حضرت آیت الله خامنه ای، با دید تمدن سازی بررسی می کند.

وی با اشاره به جایگاه جشنواره فیلم عمار در این مسئله، تصریح کرد: مجموعه های فرهنگی که در کشور وجود دارد، با انقلاب پیش نرفته اند، یعنی انقلاب که شد تغییری در این مجموعه ها رخ نداد. این مجموعه هایی که در عرصه فرهنگی موجود هستند، اشکالات ریشه ای دارند که اصلاح آن ها یک فرآیند بسیار زمان بر و سخت است، اما بهترین راهبرد و روش همان کاری است که جشنواره عمار راه انداخته است و آن هم ایجاد مجموعه های موازی است. به جای اصلاح ساختارهای قبلی، بهترین راهبرد این است که یک مجموعه جدید راه بیاندازیم که این مجموعه خود بعد از مدتی محلی بشود برای یافتن استعداد های انقلاب اسلامی که جشنواره عمار نمونه خوبی در این زمینه است و توانسته موفق باشد.

محمد ناصری در انتها در خصوص فعالیت های آتی خود عنوان کرد: قصد داریم در قالب داستانی، مستند، موشن گرافی و ... به این مسئله بپردازیم و در حال آموزش یک تیمی در حوزه فیلمسازی هستیم که بتوانیم یک مقدار بلندمدت تر این قضیه را پیگیری کنیم.







## غواصان شهید به روایت دارابی خاطره بازیگر «دایو»

**حسین دارابی متولد ۱۳۶۱، فارغ التحصیل رشته کارگردانی انیمیشن از دانشکده سروش دانشگاه صدا و سیماست که با مستند داستانی «دایو» در ششمین جشنواره عمار شرکت کرده است.**

خواهد شد.

دارابی که در پنجمین جشنواره فیلم عمار با اثر علمک موفق به کسب دیپلم کارگردانی شده است، گفت: در جریان فیلم «دایو» در دقیقه نود فیلم برداری به این نتیجه رسیدم که بازیگر فیلم با چیزی که در ذهن من است فاصله زیادی دارد بنابراین ناچار به تغییر بازیگر شدیم؛ موقعیت بدی بود؛ با یکی از دوستان برای انتخاب بازیگر اقدام کردیم و در نهایت در ساعات پایانی یکی را به من معرفی کردند با او صحبت کردم و متن فیلم را به وی دادم و از اتاق بیرون آمدم، وقتی برگشتم دیدم چشم هایش پراز اشک است، خیلی تحت تاثیر قرار گرفته بود وقتی از او علت را پرسیدم گفت چند روز پیش برنده بهترین بازیگر در جشنواره ماه حوزه هنری شدم و به خاطر ارادتتی که به شهدا داشتم آن را به شهدای غواص که در حوزه هنری دفن شده بودند تقدیم کردم و الان باورم نمی شود که در فیلمی نقش همان شهدای غواص را بازی می کنم و این یکی از خاطرات قشنگ تولید «دایو» بود.

وی درباره آشنایی اش با جشنواره عمار، گفت: آشنایی ام با عمار از طریق بولتن های تبلیغاتی و به طور جدی از طریق یکی از دوستان بوده که در جریان تدوین یک فیلم همکاری کرده اند. کارگردان فیلم داستانی «دایو»، بیان کرد: ایده ای که در جشنواره عمار وجود دارد بسیار ناب و بی سابقه است البته اگر مانند سایر جشنواره ها دچار حاشیه و انحراف نشود و ارتباطش را با تمام مردم و اقشار عامی جامعه حفظ کند؛ چرا که عمار تربیونی برای دیدن فیلم هایی هست که جز در عمار دیده نخواهند شد.

حسین دارابی، کارگردان فیلم داستانی «دایو» در گفت و گو با خبرنگار «نشریه روزانه جشنواره مردمی فیلم عمار» در خصوص نحوه ورودش به دنیای هنر و رسانه، گفت: بخاطر رشته تحصیلی و قرار گرفتن در جمع دوستانی که در این عرصه بودند کم کم به دنیا رسانه علاقه مند شده و با کار تدوین فعالیتیم را شروع کردم و با دوربین های معمولی شروع به ساخت فیلم های کوتاه دانشجویی کردم که به مرور زمان سبک کار حرفه ای تر و به سطح بالاتری ارتقا پیدا کرد.

وی گفت: «دایو» یک فیلم داستانی نیمه بلند درباره شهدای غواص است که موقعیت آنان را در یکی از عملیات های دوران دفاع مقدس روایت می کند که با پشتیبانی باشگاه فیلم سوره حوزه هنری و پشتکار عوامل تولید آن ساخته شد؛ البته بخاطر جنس کار، شرایط ساخت اثر با دشواری های فراوانی همراه بود.

وی ادامه داد: ساخت فیلم در شهرک دفاع مقدس انجام گرفت و ما لوکیشن های سختی داشتیم؛ از قرار گرفتن در سرما تا سایر مواردی که ما را درگیر می کرد.

دارابی گفت: ما تاریخ غنی ای داریم؛ قهرمان ها و داستان هایی که سرشار از ناگفته هاست؛ ما قهرمان های واقعی داریم، در بحث دفاع مقدس ایده های بسیار نابی وجود دارد که کمتر به آن پرداخته ایم و جای بسط و پرو بال زیادی دارد.

وی خاطر نشان کرد: یکی از مهمترین مسایلی که می تواند فرهنگ جامعه را تحت تاثیر قرار دهد و در فرمایشات مقام معظم رهبری هم به آن تاکید ویژه شده بحث فرهنگ و سبک زندگی هست که اگر اصلاح بشود بخش قابل توجهی از مشکلات اجتماعی فرهنگی اقتصادی جامعه حل

**یکی از مهمترین مسایلی که می تواند فرهنگ جامعه را تحت تاثیر قرار دهد و در فرمایشات مقام معظم رهبری هم به آن تاکید ویژه شده بحث فرهنگ و سبک زندگی هست که اگر اصلاح بشود بخش قابل توجهی از مشکلات اجتماعی فرهنگی اقتصادی جامعه حل خواهد شد.**



کارگردان مستند «راه روشن»

## هنوز آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی در سینما متبلور نشده

**مستند «راه روشن» اثری به کارگردانی حجت‌الله عدالت‌پناه است. در این مستند، نویسنده آمریکایی کتاب «جاسوسان علیه نبرد آخالزمان» در یک اقدام جسورانه رسانه‌ای افشا می‌کند که ترور دانشمندان هسته‌ای ایران کار عوامل موساد است و در دنباله‌ی آن جمعی از دانشجویان نخبه دانشگاه صنعتی شریف مصمم می‌شوند تا مسیر این شهید را در جهت عزت و سربلندی نظام اسلامی طی کنند.**



به عنوان مثال مسئله شهادت، مسئله‌ای است که تاریخ ایران چه قبل از انقلاب و چه پس از انقلاب در مبارزه با منافقان، دوران هشت سال جنگ تحمیلی و ترورهای پس از جنگ با آن گره خورده است و جشنواره عمار توانسته این آرمان نظام اسلامی را تا حدودی در قالبی متفاوت به مردم عرضه کند و کاستی‌های موجود در این زمینه را برطرف نماید.

### جشنواره عمار در مقایسه با سینمای ایران تا چه میزان به ارزش‌های اسلامی و آرمان‌های انقلاب پرداخته است؟

به نظر من ما هنوز نتوانسته‌ایم به سینمای ملی برسیم و هنوز که هنوز است، آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی در سینما متبلور نشده است و یا به ندرت شاهد آن بوده‌ایم و آن‌چه که فضای غالب این سینما را تشکیل داده با ارزش‌های انقلاب فاصله‌های بسیار دارد؛ چرا که این افراد کماکان در دوران قبل از انقلاب سیر می‌کنند و شاهد هستیم، فیلم‌هایی از بودجه بیت‌المال ارتزاق می‌کنند که اثرگذاری‌های منفی نیز در جامعه دارد.

اما جشنواره عمار حرکتی است که آمده بار سنگین سینمای ارزشی و انقلابی که هدایت نسل جدید سینمای ایران را به دنبال دارد به دوش کشد.

در جشنواره عمار بحث رقابتی وجود ندارد و فیلمسازانی که اثری به این جشنواره می‌فرستند خود را عمار می‌دانند و براساس تکلیف خود عمل می‌کنند و به دنبال دیده شدن کار و اثرشان هستند. جشنواره عمار در آینده با حمایت از نسل جدید هنرمندان انقلاب قطعاً اثر خوبی در تغییر وجهی‌ی سینمای ملی مان خواهد داشت.

### چه شد که سراغ ساخت مستند با چنین سوزی شدید؟

ما نسل سومی‌ها نمادی از استقلال و تلاش برای دستیابی به عزت، مقاومت و اتکا به دانش جوانان خود بوده‌ایم و این مستند نیز در مسیر همین اهداف و آرمان‌ها ساخته شد.

مستند راه روشن از سه جنبه شخصیت شهید احمدی‌روشن را به تصویر کشید که جنبه نخست آن پشتکار، تلاش و توان علمی این شهید بزرگوار برای آموختن بیشتر بود و جنبه‌ی دیگر، تلاش شهید در جهت انتقال تجربیات و عملی کردن این دانش در راستای اهداف نظام اسلامی بود. اما جنبه‌ی دیگر که بسیار مهم و قابل بررسی بود آن شور مضاعفی که شهید احمدی‌روشن در میان دانشجویان دانشگاه شریف با شهادت خود ایجاد کرد و نقطه عطفی که در زندگی علمی بسیاری از دانشجویان این دانشگاه به وجود آورد.

مسئله‌ی دیگری که به آن پرداخته شده اقرار دشمنان نظام در شبکه‌های معاند خود مبنی بر برنامه‌ریزی جهت ترور شهید احمدی‌روشن بود به گونه‌ای که خودشان اقرار کردند که این کار توسط عوامل موساد صورت گرفته است تا بتوانند مانعی در مسیر پیشرفت‌های علمی ایران ایجاد کنند.

### جشنواره عمار تا چه میزان توانسته در ترویج فرهنگ شهادت اثرگذار باشد؟

بزرگترین مشخصه‌ی جشنواره مردمی عمار جنبه‌ی مردمی بودن آن و اکران‌هایی است که در سراسر ایران از طریق خود مردم، صورت می‌گیرد و این اکران‌ها افزون بر ایجاد موج فرهنگی در کشور بازخوردهای مثبت و سازنده‌ای را برای سازنده اثر به دنبال دارد.





«سه قربانی» هاشمی

## هم شاگردی ها از ۳ خون شانزده آذر می گویند

از اساتید دانشگاه که آن زمان دانشجو بودند و در آن حمله نظامیان در دانشگاه حضور داشتند، به جزئیات این هجوم وحشیانه می پردازند و مستند یک مستند اقماعی است که برای همه مدعای خود سند متقن ارائه می دهد.

کارگردان مستند سه قربانی در خصوص شیوه پرداخت فیلم می گوید: اکثر از مصاحبه استفاده شده، مصاحبه های کوتاه و به تعداد بالا در مستند وجود دارد و علاوه بر آن چند سکانس هم بازسازی شده که در واقع فضای آن موقع را نشان دهد.

وی با تاکید بر این که پژوهش کار توسط خود کارگردان صورت گرفته، گفت: ساخت این مستند بر پژوهش استوار بوده است که تقریباً یک ماه به طول انجامید. در امر پژوهشی از دو روش مطالعه کتابخانه ای و بازدید آرشيو سازمان صداوسیمما استفاده شده است.

میراسدالله هاشمی با اشاره به محدودیت هایی که در ساخت فیلم وجود داشت، تاکید می کند: اگر آن بودجه و وقت لازم برای کار بود، خیلی بهتر می توانستیم روی این موضوع کار کنیم. در خیلی از موارد نیاز بود که صحنه هایی را بازسازی کنیم ولی بودجه کافی برای بازسازی صحنه در دست نبود که اگر این اتفاق می افتاد خیلی بهتر می شد ولی تصاویری از آن موقع و ورود سربازان به دانشگاه را پیدا کردیم و با صداگذاری بر روی آن توانستیم این مسئله را نشان دهیم و در واقع در این مدت کوتاه صرفاً زمان در حدی بود که می شد اطلاعاتی

میراسدالله هاشمی کارگردان فیلم سه قربانی در گفت و گو با خبرنگار «نشریه خبری روزانه جشنواره فیلمسازان ایرانی» در خصوص اثری که برای دبیرخانه جشنواره ارسال کرده، گفت: «سه قربانی» داستان شهید شدن آن سه دانشجویی که در ۱۶ آذر توسط رژیم شاه کشته شدند، مستند سه قربانی، به صورت ترکیبی پیش می رود و تصاویری از آن موقع پخش می شود و برای اولین شخصیت هایی علمی و سیاسی راوی موضوع هستند، که حالا اصلا ایرانی نیستند.

وی در ادامه به روند فیلم اشاره می کند و می گوید: مستند بیانگر آن واقعیتی است که اتفاق افتاده، سفر نیکسون و اعتراض دانشجویان به این که شاه سلطنتش را دوباره به کمک آمریکایی ها به دست آورده است. و وقتی که نیکسون می خواهد به ایران سفر کند، قبل از سفر برای این که شاه بتواند خفقان سیاسی را بر کشور حاکم کند و اهداف آمریکا را محقق کند، سه دانشجو در دانشگاه قربانی می شوند تا شاه بتواند در ادامه آن، قرار داد نفتی با آمریکا امضا بکند که در واقع تمام زحمات ملی شدن صنعت نفت را به باد دادند.

هاشمی حضور شخصیت های خارجی در مستند را از نقاط حائز اهمیت می داند و تاکید می کند: در این فیلم کسانی که نزدیک دربار بوده اند روایت گرداستان هستند و علاوه بر آن اساتیدی موضوع را تعریف می کنند که در آن زمان دانشجو و همکلاس شریعت رضوی و بزرگ نیا بودند؛ در واقع دو تن





## «یونسی‌ها»؛ روایت غواصان حسینی

**محمد محسن مرادی متولد سال ۷۶ و دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات دانشگاه اصفهان است که با مستند یونسی‌ها در ششمین جشنواره عمار شرکت کرده است.**

محمد محسن مرادی، کارگردان مستند «یونسی‌ها» در گفتگو با خبرنگار «شهره روزانه جشنواره مردمی فیلم عمار»، گفت: از سال اول راهنمایی با آشنا شدن با نرم افزارهای ساخت کلیپ شروع به ساخت کلیپ‌های مختلف کردم اما به طور جدی از سال ۹۲ تصمیم به ساخت فیلم بلند گرفته و کم‌کم شروع به کار با امکانات محدود و دوربین شخصی کردم. وی با اشاره به نحوه ساخت مستند «یونسی‌ها» بیان داشت: من اسم مستند یونسی‌ها را از اسم لشکر ۱۴ امام حسین (ع) گرفتم؛ در مراسمی توانستم بالای سر شهدا حاضر شوم و خانواده‌های شهدا را از نزدیک ببینم، در واقع ماجرای مستند «یونسی‌ها» از آغاز تا پایان درباره نحوه ورود این شهدا به ایران و دیدار خانواده‌هایشان با پیکر این شهدا است. وی افزود: زمانی که قرار بود شهدای غواص را به کشور بیاورند دعا می‌کردم بعد از ایام کنکور باشد و به لطف خدا این اتفاق بعد از کنکور رخ داد و من به تهران آمدم و توانستم از تشییع شهدا فیلم گرفته و مصاحبه‌هایی را هم انجام بدهم.

مرادی ادامه داد: از بین این شهدا، استان اصفهان و لشکر ۱۴ امام حسین بیشترین تعداد شهدای غواص را به خود اختصاص داده بود از این رو در ایام ورود کاروان شهدا به این استان، موجی از فعالیت‌های فرهنگی مرتبط با شهدا در شهر صورت گرفت.

مرادی گفت: من دلم می‌خواهد درباره آینده خانواده شهدا بعد از شهید شدن فرزندان شان فیلم بسازم همچنین در خصوص عملیات‌هایی در دوران دفاع مقدس که اثری پیرامون آن تولید نشده و یا خیلی بد به آنها پرداخته شده است.

وی در پایان گفت: امیدوارم مسولین بتوانند فضایی را ایجاد کنند تا حداقل امکانات و مجوز فیلم برداری برای کسانی که دوست دارند در این حوزه سینمای مذهبی کشور فعالیت کنند به وجود بیاورند و به آن‌ها بیشتر توجه کنند.



در این زمینه به مخاطب منتقل کرد.

هاشمی در ادامه به ریشه‌های این اتفاق اشاره کرد و گفت: بعد از این که شاه با آن کودتای آمریکایی، به قدرت برگشت، سلطنت خود را مدیون آمریکایی‌ها می‌دانست و در صدد جبران آن برآمد. مردم از این که ایران به برقراری رابطه با آمریکا اقدام می‌کند خشمگین بودند؛ اوج این عصبانیت در دانشکده فنی دانشگاه تهران متبلور شد. شاه دنبال این بود که یک خفقانی ایجاد بکند. یک فضای سیاسی را ایجاد بکند که بتواند اهدافش را اجرایی بکند و این کار را با حضور نظامیان شاه و کشتن سه دانشجو انجام داد و آن خفقان سیاسی را به وجود آورد که در ادامه آن قرارداد ننگین نفتی بسته شد، یعنی تمام زحمات ملی شدن نفت یک جا به باد رفت.

وی با اشاره به این که هنوز آن روحیه استکبارستیزی در دانشجویان وجود دارد، گفت: دانشجویان، آن طور که باید در این خصوص اقلان نشده‌اند و با این که خواص زیادی در فضای دانشجویی داریم، اما خیلی از دانشجویان هنوز با فضا آشنا نیستند که در این زمینه جشنواره عمار می‌تواند نقش آفرینی کند؛ عمار با مستندهایی که شعاری نیستند و کاملاً بر مبنای سندهایی که ارائه می‌دهند می‌تواند کارهای فرهنگی در این زمینه انجام دهد.

هاشمی در انتها با اشاره به پیشرفت روزافزون جشنواره عمار گفت: اگر بتوان شرایط را طوری کرد که، فیلمسازهای حرفه‌ای ارزشی هم وارد این موضوع‌ها بشوند و کارهای حرفه‌ای وارد مجموعه بشود، می‌توان انتظار تاثیرگذاری بیشتری داشت.



# روستاهای آذری مملو از اکران های مردمی

## بیزاد فرهنگ اکران کننده عمار در بستان آباد آذربایجان شرقی

**در بیش از صد و پنجاه نقطه شهر اکران داشته اند از مساجد، مدارس، دانشگاه ها تا منازل شهدا؛ قبل از اکران برنامه های تبلیغاتی دارند و در حین اکران نمایشگاه و نظرسنجی. این دانشجویی آذری مشتاقانه خودش را وقف عمار کرده است زیرا اعتقاد دارد: «عمار یک حرکت مردمی است و بزرگترین امتیازش حضور مردم است.»**

### چهار مه‌رمه‌ماه نود و سه

با توجه به این که اکران جشنواره مردمی عمار هم یک کار فرهنگی خاص و نوآور بود، به این فکر افتادیم که ما هم مثل سایر مناطق کشور در شهرمان اکران داشته باشیم. اولین اکران ما چهار مه‌رمه‌ماه سال ۹۳ و در کتابخانه عمومی بستان آباد، در یک جمع دوازده نفری بود. فیلم کوچه مقدس را در یک جمع کاملاً خودمانی اکران کردیم.

ما با عنایت خدای متعال و تلاش دوستانمان در بیش از صد و پنجاه نقطه اکران داشتیم. می توانم بگویم کل شهرستان ما درگیر اکران بود؛ بیشترین اکران ما در مساجد است. ما در کانون های مساجد، پایگاه ها، کتابخانه عمومی خواهران، بنیاد مهد قرآن و کلاس های قرآنی، جلسات طرح صالحین، جلسات نیروهای رزمی گردان امام حسین، دانشگاه آزاد و پیام نور شهرستان، مدارس راهنمایی و دبیرستان و همچنین برای طلاب اکران داشتیم؛ بیشتر مخاطبان ما نوجوان ها و جوان ها بودند.

### اکران برای شهدا

در منزل شهید هم اکران داشتیم. اکران ما در خانواده شهید «خیری» بود. پدر شهید کیوانی در اکران های ما حضور داشت. در حلقه های صالحین و مساجدمان پدر شهید داشتیم که اکران می کردند. در اکران هایمان جانباز و رزمنده داشتیم. خانه آقای یزدانبخش اکران داشتیم که از جانبازان شهرستان بستان آباد بودند.

### در حاشیه ای اکران ها

ما در اکران بسته ها و محتوای هسته ای توزیع می کردیم و نمایشگاه خطوط قرمز از بیانات حضرت آقا را در جنب اکران هسته ای داشتیم. مردم قبل از ورود به محل اکران از نمایشگاه فناوری هسته ای و بیانات حضرت آقا دیدن می کردند تا فضا برای اکران آماده شود. قبل از شروع فیلم یا مستند، نسبت به آن تحلیلی ارائه می دادیم که ذهن مخاطب به فیلم معطوف شود. انتهای فیلم هم نظرسنجی داشتیم. فرمی را خودمان تنظیم کرده بودیم که میزان رضایت از مستند، طول زمان اکران، کیفیت اکران و نظرات مخاطبین را از آن طریق جذب می کردیم.

### ننه سکینه در اردوهای جهادی

در یکی از روستاها در اردوی جهادی بسیج دانشجویی اکران داشتیم که مردم هم در آن جا حضور داشتند. مستند ننه سکینه پخش می شد.







اکران فیلم در پایگاه بسیج مسجد امام جعفر صادق (ع) خرم آباد لرستان



نمایش بختک در مدارس شهرستان ابوموسی



اکران در پایگاه بسیج نمونه شاهد الیگودرز و مسجد حضرت عباس الیگودرز لرستان



اکران فیلم های ششمین جشنواره مردمی عمار در نشست خصوصی از فیلم سازان در استودیو مهر فیلم مرند آذربایجان شرقی



سلسله اکران های مسجد حضرت ابوالفضل (ع) و پایگاه بسیج ولایت کرج

یکی از پیرمردها به جوان ها خطاب کرد که از این زن درس بگیرید که چه جوری بیانات حضرت آقا را تحلیل می کند؟! چطوری کار می کند؟! یکی از الگوهای شما جوان ها همین پیرزن است. بچه هایی که مسئولین اکران ها بودند نیز با دیدن مستند «ننه سکینه» خودشان ترغیب می شدند که با کمترین امکانات بتوانند بیشترین بهره‌وری را داشته باشند.

### بادوستان بیابید

برای اکران در روستاها، از دو روز قبل با فعالان فرهنگی آن منطقه هماهنگ می شدیم. مردم را دعوت می کردیم. پوستری زدیم و از طریق پیامک و ارتباط با پایگاه های مساجد اطلاع رسانی می کردیم. معمولاً در برنامه های عمومی شهرستان با مسئولین برنامه هماهنگ می کردیم که در آن جا اکران داشته باشند. بعد هم از طریق پیامک و تلفنی به همدیگر اطلاع می دادیم که در مسجد یا حسینیه اکران داریم. از مردم می خواستیم که با دوستان و آشنایان به اکران بیایند.

### دامنه های کوه سهند

زحمت هزینه را هم خود بچه ها می کشیدند. ما از هیچ ارگان و منبع خاصی هزینه دریافت نکردیم. کاغذهایش را یکی از دوستان تقبل می کرد. همیشه با ماشین شخصی به روستاها می رفتیم. ما در «آلوار» دورافتاده ترین روستای شهرستان هم اکران داشتیم. روستای «زگولوجه سعید» در دامنه های کوه سهند است. برای این اکران هشتاد کیلومتر راه رفتیم. اکران ها هنوز هم ادامه دارد. به تازگی در روستای آمباردان از توابع شهرستان بستان آباد هم اکران داشتیم.

### خوش ترین اکران

بهترین خاطره ما هم پخش نماهنگ مرگ بر آمریکا در یکی از یادواره های شهدا است. مردم یکصدا همانند نماهنگ فریاد می زدند: «برخیز و دوباره فریاد بزن مرگ بر آمریکا»، چهارصد پانصد نفر یک صدا مرگ بر آمریکا می گفتند. این بهترین و خوشترین خاطره ما در رابطه با اکران ها بود. پرمخاطب ترین اکران ما در افتتاحیه یک برنامه مشترک بین هیئت رزمندگان و گردان امام حسین در بیست و پنج رمضان بود. برای هشتصد نفر نماهنگ مرگ بر آمریکا را اکران کردیم. کمترین مخاطب را هم در یکی از حلقه های صالحین داشتیم که نه نفر بودند.

### ساعت بیست و یک

ماندگارترین اکران ما در بیست و یک بهمن ماه نود و سه بود. ساعت بیست و یک زمانی که مردم ندایی الله اکبر را سر می دهند جلوی پارک شهر اکران داشتیم. نماهنگ «هم آواز طوفان» حامد زمانی پخش شد. انتهای آن حضرت آقا می گویند: «اگر غلظی از اسرائیل سر بزنند، تل آویو و حیفا را با خاک یکسان می کنیم.» این برنامه به مجلس ما خیلی شور داد و جالب ترین اکران ما بود.

### اکران های خانوادگی

یک پیشنهاد برای اکران ها داشته باشیم. ما در شهرستانمان اکران های خانوادگی هم راه انداختیم. خیلی خوب هم نتیجه می دهد. می توانیم اکران های خانوادگی را در سطح کشور گسترش بدهیم. عمار یک حرکت مردمی است و بزرگترین امتیازش حضور مردم است. این حرکت فرهنگی در کشور بسیار تأثیرگذار است.





### «به سوی بهشت»

#### در هیئت صفا داشت

هیئت «به سوی بهشت» همزمان با ایام سالروز حماسه نهم دی و هفته بصیرت، اکران فیلم‌های ششمین دوره جشنواره عمار را با حضور هفتاد نفر در محل پایگاه شهید خرقانی صفا داشت آغاز نمود. در این جلسه پس از قرائت قرآن کریم، در مورد جشنواره عمار و اهمیت آن برای حاضرین توضیح داده شد و مجموعه فیلم «بازار محبت» اثر هادی محمدی نسب و فیلم «برعکس» اثر حسین امانی اکران شدند. فولدر ۴



### تقدیرهای ویژه در آیین افتتاح ششمین جشنواره فیلم

#### عمار در سبزواری

در این آیین تجلیل از استاد حسین ماستیانی دبیر افتخاری جشنواره عمار در سبزواری توسط خانواده شهدای جنگ تحمیلی و اولین شهید مدافع حرم به پاس خدماتی که وی از ابتدا تا کنون به فرهنگ شهید و شهادت انجام داده صورت گرفت.

از دیگر برنامه‌های این آیین مردمی حضور خیرالنسا پیرزن بود که در زمان ۸ سال جنگ تحمیلی با بافتن لباس‌های گرم و فرستادن آن برای رزمندگان خدمت شایانی را به رزمندگان انجام داده بود.

وی در این آیین با درخواست از تمامی بانوان شهر برای بافتن لباس گرم و ارسال آن به جبهه مقاومت گفت: در حال حاضر بانوان می‌توانند با این حرکت حمایت خود را از رزمندگان جبهه مقاومت که در سوریه و عراق در حال مبارزه هستند اعلام کنند.

### سینمای ما، عین سیاست ماست

در آموزش و پرورش جلسه‌ای تشکیل دادیم و در حضور امام جمعه و فرماندار صحبت کردیم. آقای «بامروت‌نژاد»، دبیر اجرایی جشنواره عمار هم از تهران آمده بودند و در جلسه حضور داشتند. با آموزش و پرورش و امام جمعه - و فرماندار هماهنگ کردیم. قول‌های بسیاری دادند، ولی متأسفانه همکاری نکردند. امید داشتیم که آموزش و پرورش به ما مجوز اکران فیلم بدهد. همه کارها به عهده خودمان بود؛ ما فقط مجوز می‌خواستیم، ولی اجازه ندادند. از آدم‌های سیاسی حرف منفی زیاد شنیدیم. بعضی از مسئولان می‌خواهند این جشنواره را نوعی ابزار سیاسی جلوه بدهند و جا بیندازند و بگویند این یک جور کار سیاسی در قالب جشنواره فیلم و مستند است؛ در صورتی که عمار فعالیتش را بر مبنای انقلاب اسلامی و اهداف آن بنا کرده است.

فیلم‌های دوره اول جشنواره عمار را با لپ‌تاپ برای دوستانشان پخش می‌کردند. هر سال که جشنواره بزرگ‌تر می‌شد، «سبزواری» هم فعالیتش را بیشتر می‌کرد. دوره چهارم جشنواره عمار بود که سالن بزرگ شهر مملو از جمعیت شده بود. از امام جمعه تا تک‌تک مسئولان شهر آمده بودند و می‌خواستند در جشنواره شرکت کنند. همه اعتبار و عزت جشنواره عمار به مردمی بود که پای فیلم‌ها می‌نشستند و بلند نمی‌شدند.

#### ابوذر فداکار - اکران کننده رفسنجان

### نماز جمعه: تریبون مردمی

متأسفانه برای پخش فیلم‌ها امکانات کم است. لپ‌تاپ و ویدئوپروژکتور و حتی هزینه تهیه پرده نمایش را هم بچه‌ها به صورت شخصی تهیه می‌کنند. با وجود همه مشکلات، پخش فیلم‌های عمار را در نماز جمعه ادامه خواهیم داد. نماز جمعه تریبون مردمی خوبی است؛ به صورت مداوم هر هفته برگزار می‌شود و اقشار مختلف مردم در آن شرکت می‌کنند. پیشنهاد می‌کنم بقیه شهرستان‌ها هم فیلم‌های عمار را در نماز جمعه پخش کنند، چون تأثیر فرهنگی تبیینی بسیار خوبی در مردم دارد.

#### محمد تقی اقبال - نظرآباد کرج

### امام جمعه پای کار

در اکران‌ها از امام جمعه دعوت می‌کردم. ایشان می‌آمدند و صحبت هم می‌کردند. حاج آقای «طرزی»، امام جمعه شهرند. هروقت از ایشان کمک بخواهم، پای کار هستند. در اکران فیلم لکه، امام جمعه را دعوت کردم و ایشان درباره فتنه صحبت کردند.

#### احسان مرادی - چرام - کهگیلویه و بویراحمد





## جشنواره عمار میزبان کودکان و مادران افغانستانی مقیم گراش

کودکان و مادران مهاجران افغانستانی مقیم شهر گراش صبح امروز مهمان فیلم‌های جشنواره عمار شدند.

اکران کنندگان عمار در گراش با توجه به تاکید و دستور رهبر انقلاب مبنی بر «تکریم همه مهاجرین افغانستانی»، پیش از آغاز اکران‌های خود در سطح شهر، اکران فیلم برای افغانستانی‌های مقیم گراش را در دستور کار قرار داده بود.

مقام معظم رهبری با بیان این جمله که «تهران، خانه افغانستانی‌هاست» مشخص کرده بودند سیاست عالی نظام جمهوری اسلامی در مواجهه با مهاجرین افغانستانی، همچنان طبق آرمان‌های اولیه انقلاب تدوین می‌شود و کم‌کاری‌های مدیریت بی‌آرمان و بوروکراتیکی که مهاجرین را به چشم «بیگانگان» نگاه می‌کند، انحراف از آرمان‌های انقلاب است. دستور معظم له مبنی بر تکریم مهاجران افغانستانی، سند تضمین‌شده دیگری بر اولویت نگاه انسانی و اسلامی در تصمیمات مدیران اصلی نظام جمهوری اسلامی است.

پس از هماهنگی و تلاش‌های بسیار، اولین نوبت اکران فیلم برای مهاجران افغانستانی صبح دیروز ۱۵ دی ماه در کانون فرهنگی حضرت معصومه (س) گراش با حضور کودکان افغانستانی در کنار مادرانشان انجام شد.

در این نوبت از اکران، انیمیشن‌های «پرواز تا بی نهایت» از آثار دوره‌های قبل جشنواره و همچنین انیمیشن «تولد» از ششمین جشنواره مردمی فیلم عمار به نمایش در آمد.

پس از نمایش فیلم‌ها و ارائه توضیحاتی کوتاه توسط اکران‌کنندگان در مورد چرایی برگزاری جشنواره عمار و نحوه اکران فیلم‌ها در مناطق مختلف از جمله کشورهای همسایه، کودکان و اولیای آنان درخواست‌هایی را مبنی بر اکران فیلم در محافل خانوادگی را مطرح کردند که مورد استقبال قرار گرفت.

پس از آن از طرف مدیریت کانون فرهنگی حضرت معصومه (س) گراش با اهدای جوایزی از نقراتی که مفاهیم فیلم‌ها را به خوبی دریافت کرده بودند تقدیر شد. با استقبال مهاجران افغانستانی و همچنین مسئولین کانون فرهنگی حضرت معصومه (س) گراش، اکران‌های دیگری نیز برای این مهاجران که مهمانان جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌روند، انجام خواهد شد.



## اکران با دعوی خانم معلم!

امروز صبح قبل از اینکه معلم وارد کلاس بشه فیلم «پنجره» رو گذاشتم توی هوشمند کلاسمون.

همه سرپا ایستاده بودیم و نیم دایره جلوی پرده ی هوشمندمون وایساده بودیم و فیلم رو تماشا می کردیم.

بعد از فیلم کمی درمورد فیلم حرف زدیم و در مورد منظور فیلم نظر دادیم.

البته خانم اومد و دعوا مون کرد!



## اکران در آزمایشگاه مدرسه و جستجو برای سوژه های جدید

مدرسه راهنمایی استعدادهای ناب صالحین میزبان فیلم های جشنواره عمار شد.

در این اکران فیلم «پرواز تا بی نهایت» به نمایش در آمد و بچه های هشتم و نهم در آزمایشگاه مدرسه به تماشای این فیلم نشستند. همچنین پیش از نمایش فیلم از بچه‌ها خواسته شد که با گوشی تلفن همراه خود به مصاحبه با آشنایان خود در خصوص خاطرات جنگ بپردازند که سوژه ای جهت ساخت فیلم های آینده باشد.

در پایان نیز از بچه ها مصاحبه ای درباره این فیلم و راجع به جشنواره عمار گرفته شد که حاکی از استقبال اکثر آن ها بود.





روایت پالیزدار از شهید همدانی

## از تواضع تا شجاعت در «ابو وهب»

**حسین پالیزدار متولد ۱۳۶۹ در تهران و دانشجوی کارشناسی مهندسی صنایع است. خانواده او اهل فعالیت های سینمایی اند و او هم به خاطر علاقه ای که داشته است از سال ۱۳۸۵ به ساختن فیلم کوتاه، مستند، و انیمیشن روی می آورد. وی همکاری در ساخت مستندهای «۱۶:۱۰ به وقت سردشت»، «بهانه ای برای بودن» و همینطور کارگردانی مستندهایی همچون «یادگار»، «جشن ستارگان»، «هلیله نشین» و «ابو وهب» را در کارنامه خود دارد.**

قسمت به بخشی از زندگی شهید همدانی از زمان تولد تا شهادت ایشان می پردازد و فعالیت ها و حضور ایشان در حوادث قبل از انقلاب، غائله کردستان، دفاع مقدس، راهیان نور، فتنه ۸۸ و حضور ایشان به عنوان فرمانده ارشد نظامی در سوریه و همچنین ویژگیهای شخصیتی ایشان همچون عشق به امام حسین (ع) و خدمت به خانواده های شهدا نشان داده شده است.

وی با بیان اینکه می خواستیم یک چهره نگاری کامل از شهید همدانی انجام دهیم، یادآور شد: در واقع این مستند، روایتی از تاریخ انقلاب

اسلامی نیز هست و در معرفی شخصیتی که با انقلاب اسلامی بزرگ شده و همواره در حوادث مختلف با انقلاب اسلامی همراه بوده است، این حوادث تاریخی نیز نمایش داده می شوند.

پالیزدار با تصریح به اینکه منابع تحقیق علاوه بر خانواده و نزدیکان و دوستان ایشان و فرماندهان،

کتاب های «مہتاب خین» و «راز نگیں سرخ» بوده است، خاطر نشان کرد: با اشخاصی مانند

آقایان محسن رضایی، گلعلی بابایی، سردار آزادی، دکتر شاکری و آقای ثابت و همینطور خانواده و فرزندان شهید

مصاحبه کردیم و برای تهیه این فیلم، آرشیوی بالغ بر ۵۲۰ گیگا بایت و ۲۷ هزار فایل جمع آوری شد که به واقع دانش نامی کاملی درباره شهید

همدانی محسوب می شود.

وی مردم داری و مهمان نوازی مردم همدان را خاطره ای به یاد ماندنی توصیف کرد و افزود: خانواده سردار شهید همدانی نیز همکاری بسیار خوبی با ما داشتند و از این کار استقبال می کردند.

پالیزدار در گفتگو با خبرنگار «نشریه روزانه ششمین جشنواره مردمی فیلم عمار» با اشاره به ارسال مستند «ابو وهب» به این جشنواره گفت: در واقع حوزه فعالیت من، ایثار و شهادت است و شهدا را الگوهای عملیاتی می دانم که از جنس مردم و دست یافتنی اند لذا باید برای جوانان معرفی شوند تا جوانان آنها را الگوی خودشان قرار دهند.

وی افزود: قبل از شهادت "شهید همدانی" با ایشان از دور آشنایی داشتم و به خاطر شخصیت جذاب و مردمی شان به ایشان علاقه داشتم اما پس از شهادت این مرد بزرگ، طبق فرمایش مقام معظم رهبری که باید از

شهدا چهره نگاری شود، می خواستم با ساخت مستندی این انسان بزرگ و خود ساخته را که از کودکی تا شهادت و در دوران های مختلف قبل

و بعد از انقلاب اسلامی با سختی و مبارزه عجیب بوده و همواره در راه اسلام و انقلاب و ولایت مبارزه کرده را معرفی کنم تا جوانان با ایشان و پایداری

شان در راه اسلام و انقلاب اسلامی آشنا شوند.

کارگردان مستند "ابو وهب" با بیان اینکه "سردار شهید همدانی" مانند ستاره ای در میان

فرماندهان می درخشید، اظهار داشت: شهید همدانی انسانی بسیار اخلاقی، متواضع و دل بسته اهل بیت (ع) و ولایت فقیه و در عین حال بسیار مردمی بوده است به طوری که همواره در میان مردم و اجتماعات

آنان حضور می یافت و با مردم ارتباط خوبی داشت.

پالیزدار با اشاره به اینکه این مستند ۱۱۴ دقیقه ای به مراحل مختلف زندگی شهید همدانی می پردازد و در جشنواره عمار قسمتی از آن نمایش داده می شود، تصریح کرد: مستند «ابو وهب» سه قسمت است که در هر

**برای تهیه این فیلم، آرشیوی بالغ بر ۵۲۰ گیگا**

**بایت و ۲۷ هزار فایل جمع آوری شد که به**

**واقع دانش نامی کاملی درباره شهید همدانی**

**محسوب می شود.**





## یک روز از زندگی مدافع حرم در «هنگامه»

**امیر داسارگر، فیلمساز جوان سینمای ایران، امسال با اثر «هنگامه» به ششمین جشنواره عمار آمده است؛ داسارگر پیش از این توانسته بود در پنجمین دوره جشنواره مردمی فیلم عمار دیپلم افتخار کارگردانی را برای اثر «اکسیژن» با موضوع فتنه ۸۸ کسب کند.**

امیر داسارگر، در گفت و گویا خبرنگار «نشریه روزانه جشنواره فیلم عمار» با بیان این که «هنگامه» نخستین اثری است که با موضوع رزمندگان مدافع حرم در قالب داستانی در مدت زمان ۳۷ دقیقه تولید شده است، گفت: این فیلم روایتگر یک روز از زندگی یکی از رزمندگان مدافع حرم است، که باید در این میان تصمیم مهمی بگیرند. کارگردان فیلم داستانی هنگامه، به دلایل پرداخت به این سوژه اشاره کرد و در پاسخ گفت: سوژه این فیلم به سمت من آمده و سال هاست با این آدم‌ها و قصه‌هایشان زندگی کرده‌ایم و خوشبختانه امسال توفیق شد تا کاری در این زمینه تولید کنیم. داسارگر با بیان این که شرایط تولید کار در مجموع رضایت بخش بوده است، اظهار داشت: به نظرم فیلم هنگامه بتواند مخاطب عام را بیش از مخاطب خاص سینما راضی کند اما در مجموع پیش بینی می‌کنم که این اثر رضایت مخاطب را به همراه داشته باشد.

گفتنی است؛ عوامل فیلم داستانی «هنگامه» عبارتند از: تهیه‌کننده: حامد بامروت نژاد، نویسنده و کارگردان: امیر داسارگر، بازیگران: امین ایمانی، سوگل طهماسبی با حضور افتخاری: هوشنگ توکلی و رابعه مدنی، مدیر تصویربرداری: احمد گودرزی، صدابردار: علی قاسمی، تدوین: سیاوش کردجان، صداگذاری و میکس: مهرداد جلوخانی، مدیر تولید: حسین شیرعلی. این اثر محصول مدرسه سینمایی عمار است «هنگامه» اولین فیلم داستانی با موضوع مدافعین حرم است که به کارگردانی امیر داسارگر در مدت زمان ۳۷ دقیقه تولید شده است. این اثر قصه یک روز زوجی جوان را روایت می‌کند که باید تصمیم مهمی را بگیرند. امین ایمانی و سوگل طهماسبی در نقش این زوج در فیلم بازی می‌کنند

مستندساز جوان کشورمان درباره جشنواره عمار اظهار داشت: از آنجا که بعد از انقلاب اسلامی معمولاً در جشنواره‌ها به انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در حاشیه پرداخته می‌شد، همواره نیاز به چنین جشنواره‌ای وجود داشت و در عین حال هر جشنواره‌ای باعث تولیدات بیشتر برای رقابت در عرصه فیلم‌سازی می‌شود.

وی با اشاره به اینکه در سالهای اخیر، جشنواره عمار پیشرفت خوبی داشته است و حضور فیلم‌سازان حرفه‌ای رقابت را سخت کرده است، گفت: جا دارد از مسؤولین این جشنواره قدردانی کرد و امیدوارم این جشنواره ادامه داشته باشد و شاهد خیرات و برکات بیشتر آن در عرصه بین‌المللی باشیم.

پالیزدار درباره اکران‌های مردمی جشنواره عمار تصریح کرد: اکران‌های مردمی اتفاقی عجیب و قابل توجه است و با این کار سینماها به میان مردم می‌روند و اکران‌کننده‌ها هم که بعضاً با سختی‌هایی این کار را انجام می‌دهند، قابل تقدیرند.

وی کارهای آینده خود را همچنان در حوزه شهادت و شهدا عنوان کرد و افزود: مستندی درباره اربعین نیز در دست ساخت دارم.



## نقاشی، تعزیه، دوربین... حرکت

محمد مهدی ابراهیم

«کربلا جغرافیای یک تاریخ» مستندی است روایتگر وقایع عاشورا و مصائب حضرت سیدالشهدا (ع) و اهل بیت آن حضرت. مستند از زمان رسالت رسول اکرم (ص) آغاز می‌شود و البته مقطعی از تاریخ را ناگفته می‌گذرد و به زمان حکومت معاویه و فرزندش یزید (لعنة الله علیه) می‌رسد و ادامه می‌یابد تا واقعه‌ی عاشورا و حوادث بعدش. به زیارت اربعین جابرو حرکت مختار اشاره‌ی کوتاهی دارد و در آخر نیز توجه بجایی به پیاده‌روی اربعین حسینی و فلسفه‌ی آن دارد.

از ویژگی‌های برجسته و نمایان این مستند درام تلفیق تعزیه و نقش‌های پرده‌خوانی با سینمای مستند «بازسازی» است. درهم آمیختگی این سه قالب مختلف به روایتی از آن واقعه می‌انجامد که بی‌تردید معنای خاصی می‌سازد. این مستند تلاش داشته تا واقعه‌ی عاشورای حسینی را تصویری نماید. برش نماها از امروز به دل تاریخ و از تاریخ به اکنون، از صحنه‌های بازسازی شده به نقاشی‌های پرده‌خوانی، به شیپور تعزیه و شکست زمان و گذر مدام در آن، التقاط سینمای فرم را رقم زده است.

مستند «کربلا جغرافیای یک تاریخ» نقل‌کننده‌ی تاریخی است؛ آشنا و معین. این اثر به بازخوانی شنیده‌ها و حقایق تاریخی می‌پردازد. دوربین این مستند در تونل زمان در گردش است چنان‌که خیال‌گونه‌ی اثر آشکارا در رخ مخاطب می‌کوبد.

این مستند، به آن دلیل که مدام از قاب نقاشی‌ها می‌گذرد و از مراسم تعزیه، پرورزی به سمت صحنه‌های بازسازی شده دارد و به شخصیت‌ها، حیاتی سینمایی می‌بخشد، شدیداً بر مسند خیال تکیه دارد. برش تصاویر از پرده‌خوانی که اینک جان‌گرفته‌اند و با مهارت سینما پرداخت شده‌اند چنان می‌نماید که گویی بر اسطوره شدن واقعه تنه می‌زند و فرم‌های ناهمگون درهم آمیخته شده‌اند و کولاژ تصویری ساخته‌اند؛ و باید گفت این تمهید معنایی دیگر ساخته است.

به آنی اسطوره‌ی حزن نه شخص حضرت حراز کنار پرده‌ی نقالی جان می‌گیرد و عالم نبود اسطوره را به عالمی ملموس ترمی‌کشاند و چنین تلاش دارد همه چیز را سراپا نمایشی عرضه کند؛ این نمایش تازه جان‌گرفته بر بیننده سخت آشکار است، به گونه‌ای که اکنون میان باور سخت پولادین خود نسبت به پهنه‌ی کربلای اعتقادش و این اسطوره‌نمایی خیالین برابرش مردود و مشقت رها می‌ماند! اسطوره اگر آن ناباور ثبات یافته‌ی دوردستی تعریف شود که تنها بر ذهنیت خیالین بشر حاکم است نزدیک کردن مردان عاشورا به تعریف اسطوره‌ها، اقدام شایسته به نظر نمی‌آید؛ اسطوره‌ها اذهان را به تردید و تردد میان خیال و وهم واقعیت و می‌دارند. مع الوصف کاستن عاشورا به ظاهری اسطوره‌ای بی‌شک کوتاه ساختن فهم مخاطب از درک درست واقعه‌ی عاشورا است.

هر چند این مستند اساطیر خود را روایت می‌کند اما بیش از حد بر روی فرم حساب باز کرده و به آن بها داده است؛ همین باعث شده تا این مستند به آستانه‌ی نمایش اسطوره‌ای آن واقعه نزدیک شود.

گفتنی است همین عرصه دادن به فرم در این مستند و به چشم آمدن بیش از حد ظواهر بصری است که قلم نگارنده این متن را بجای پرداختن به مضامینی والا و ارزنده، در حد پرداختنی ساختاری و فرمالیستی کم‌بها ساخته است.

توجه دیگر، نسبت میان نقل و تحلیل واقعه در این اثر است. پیش‌تر برای مخاطب بر سکوی تعزیه نقل واقعه شده بود. بازسازی و تصویری شدن صرف



## سازنده فیلم داستانی «فرزانه»

# اخلاق و مسئولیت اجتماعی در میان فیلمسازان فراموش شده

**مهدی محمدی متولد ۱۳۵۰ دارای مدرک کارشناسی کارگردانی و کارشناسی ارشد تهیه‌کنندگی از دانشگاه صدا و سیما است و هم‌اکنون در صدا و سیما خراسان رضوی فعالیت می‌کند. وی علاوه بر مدارک دانشگاهی، دارای مدارک بسیاری از موسسات مختلف در حوزه کارگردانی است. او در ششمین جشنواره عمار با فیلم فرزانه شرکت کرده است.**

مهدی محمدی کارگردان فیلم «فرزانه» در گفت‌وگو با خبرنگار «نشریه روزانه جشنواره مردمی فیلم عمار» گفت: بعد از اتمام دوره دانشجویی، مدتی در حدود ۴ سال را در شبکه سوم سیما به عنوان دستیار کارگردان مشغول به فعالیت بودم و بعد از آن و تا کنون در صدا و سیما خراسان رضوی مشغول به کار هستم. وی ضمن اشاره به چند اثر خود به نام‌های «حبیب»، «الگانس»، «کویر» و «فرزانه»، افزود: داستان فیلم «فرزانه» درباره دختر ۹ ساله‌ای است که پس از مراسم جشن تکلیفی که مدرسه برگزار کرده است، تمام وسایل اعم از سجاده و چادر و دیگر وسایل را که مدرسه به آن هدیه داده بود، گم می‌کند. برای تهیه دوباره این وسایل مجبور می‌شود تا یک سفر درون شهری را تجربه کند و با شرایط و آدمهایی روبرو شود که تا الان آن‌ها را ندیده است که در خلال این جستجو همراه با بلوغ شرعی به بلوغ اجتماعی نیز می‌رسد.

کارگردان فیلم فرزانه در ادامه با اشاره به اینکه هدف ساخت فیلم انتقال این پیام به مخاطب بود که بلوغ اجتماعی و بلوغ شرعی دو جزء جدا نشدنی و مکمل یکدیگر هستند، افزود: از اولین دوره جشنواره عمار با جشنواره آشنا بودم، صدا و سیما خراسان رضوی همه ساله تعدادی از آثار برگزیده خود را برای جشنواره ارسال می‌کند که اثر من هم در میان آنها بود.

وی در ادامه اظهار داشت: نقطه قوت جشنواره عمار، پسوند مردمی بودن آن است، یکی از مشکلات جشنواره‌ها در کشور ما به بدنه اجتماع راه پیدا نمی‌کند و در حلقه‌ای بسته صرفاً برای قشر خاصی به نمایش گذاشته می‌شود. اما نکته قابل توجه جشنواره عمار این است که مردم کوچه و بازار که شاید حتی با سینما رابطه خوبی نداشته باشند هم به پای تماشای فیلم و مستند می‌نشینند. اگر این جشنواره بیش از پیش جنبه مردمی بودن خود را افزایش دهد، به تحقیق یکی از بهترین جشنواره‌های سینمایی خواهد شد.

مهدی محمدی در ادامه با اشاره به اینکه اکران‌های مردمی جشنواره عمار، آشتی بین مردم و سینما است، گفت: موضوعاتی در حوزه اخلاق اجتماعی، به عنوان مثال مسئولیت‌پذیری از عمده‌مسائلی است که از سوی فیلمسازان مورد غفلت واقع شده است و می‌توان گفت اغلب آثاری که جامعه ما به آن دچار است ناشی از عدم مسئولیت‌پذیری شهروندان و عدم انضباط و اخلاق اجتماعی در جامعه است.

وی در پایان با اشاره به اثر در دست ساخت خود، بیان کرد: فیلم نامه‌ای تاریخی نگارش شده به نام «چایخانه سرشور» را پس از گذراندن مراحل قانونی تولید و تصویربرداری کلید خواهیم زد.

اسطوره اگر آن ناباور ثبات یافته‌ی دور دستی

تعریف شود که تنها بر ذهنیت خیالین بشر حاکم

است نزدیک کردن مردان عاشورا به تعریف

اسطوره‌ها، اقدام شایسته به نظر نمی‌آید

نقل‌های منابر از عاشورا، اقل انتظار است. اما آنچه باید پرتنگ‌تر می‌شد تحلیل است که در این گونه آثار باید بر نقل بچربید. مخاطب با تحلیلی عمیق و دقیق، شگرف و عالمانه مواجه شود و بردرک و فهمش افزوده شود. آنچه امروز جامعه را سطحی نگه می‌دارد توجه دادن افراد تنها به نقل وقایع است. حال آنکه همگان در همه اقشار و طبقات نیازمندان محتوا و تحلیل درست و عمیق هستند.

لحظات و مقاطعی از فیلم گاه موفق و گاه نارسا در بیان حس کربلا است. نماها و المان‌هایی مانند حنابندان که با صدای کل کشیدن زنانه همراه است و بیشتر به ضجه‌ی زانی می‌ماند که به استقبال مرگ می‌روند، خاطر مخاطب را بین جعلیات عروسی قاسم‌بن‌الحسن (ع) و تعبیر نکاح یاران امام (ع) با مرگ، مردد و سردرگم می‌کند.

فیلم با رفت و آمدهایش درون قاب تصاویر قدیمی که در حافظه‌ی تصویری مخاطبان جا دارد و با جان بخشی مخیل آن تصاویر، پذیرش «واقعیت فیلم» را دشوار می‌کند. آماده شدن یاران و وداع آنان با چهره‌های بی‌روح و بی‌تحركشان، گویی نه به اختیار که مجبور و مسحور به قتل می‌روند. و نیز زنی سیاه‌جامه، پیش از مرگ بر آنان گلاب می‌پاشد. (کاری که بر مزار مردگان انجام می‌دهند).

حتی یک موسیقی حماسی نیز لحظه‌ی وداع را همراهی نمی‌کند تا شاید اثر آن بی‌صدایی وهم‌آور را که باذکری نامفهوم و ضجه‌ی زنانه درهم آمیخته شده است، قدری کاسته شود. در باب عاشورا و شهادت سخن گفتن بیشتر به حماسه نیاز دارد تا تصاویر بدیع. البته مقاطعی از مستند حماسی می‌شود، به خصوص بخش‌های پایانی مستند و

آنجا که مدیحه‌سرایی استاد مؤذن زاده با تصویر زنجیرزنی زیر برف همراه می‌شود. گاهی نیز صداهای تنها نا کارآمد است بلکه مخل نیز عمل می‌کند. صدای اذان بر تمام اوقات نماز خواندن یاران همراه با امام خود -اولاً چه مفهومی دارد؟ -دوماً در لحظه‌ای که امام (ع) در حال اقامه‌ی نماز است یکی از یارانش در برابر او تیر می‌خورد و این در حالی است که

امام (ع) عادی و بی‌تفاوت به نماز خود ادامه می‌دهد؛ که این مسلماً آقای جان‌نثاری نمی‌کند و به‌طور کلی نشان از آن دارد که علاوه بر صدا، دیگر عناصر نیز مانند میزانشن صحنه گاهی نقش درست خود را ایفا نمی‌کنند. از نکات دیگر اما نشر نزدیک به محاوره‌ی متن‌گفتار است که با تولید اصطلاحاً فاخر مستند هم‌خوانی ندارد و می‌توانست نثری ادبی و قوی بجای این متن بی‌رمق، «کربلا...» ی جدی‌تر

و محکم‌تری بسازد.





## «آن یک نفر»

«آن یک نفر» عنوان مستندی است که روایتگر زندگی شهید شهید شهید غلامرضا آتش است، شهیدی که در دوران دفاع مقدس به ساخت مستند می پرداخت و در عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید این مستند در مدت زمان ۲۱ دقیقه و به کارگردانی سید حمید میرحسینی تولید شده است



## «شرح مدح»

«شرح مدح» مستندی ۴۰ دقیقه ای به کارگردانی حمید شعبانی و تهیه کنندگی سید فرشاد حسینی می باشد که در آن به نقش هدایتگر و ارتباط صمیمی رهبر معظم انقلاب با جامعه مداحی کشور می پردازد. این مستند که به بازخوانی سه دهه ارتباط صمیمانه رهبر انقلاب و جامعه مداحی کشور می پردازد بر نقش هدایتگر و توصیه های راهبردی رهبر انقلاب به ذاکرین اهل بیت (ع) که در فاصله سال های ۶۸ تا ۹۳ بیان شده می پردازد. در این مستند شاهد روایت داستان هایی از تعدادی از مداحان سرشناس و پیشکسوت کشور از جمله حاج غلامرضا سازگار، حاج منصور ارضی، حاج ولی الله کلامی، حاج محمد رضا طاهری، حاج میثم مطیعی نیز هستیم. این مستند بر اساس طرحی از رضا صیادی و به همت موسسه فرهنگی عقیق و با مشارکت موسسه فرهنگی اکسیر پژوهش تولید شده است.

## «مردم مقاوم»

مردم مقاوم، اثری در قالب انیمیشن و در مدت زمان ۴ دقیقه که به کارگردانی سید حامد قاسمی و علی رهجو سعی دارد تا الگوی یک زندگی مقاوم را معرفی کند.

این ویدیوگرافی سعی دارد تا الگوی یک زندگی مقاوم را با معرفی و بررسی نمونه های غربی آن همچون آمایشگران و خودکفایان و نمونه ی داخلی آن یعنی مدلی که کدبانو ها در گذشته بر مبنای آن عمل می کردند، به عنوان بهترین سبک زندگی معرفی کند. الگویی که هم موجب تقویت پایه های اقتصاد می گردد و هم با نگاه اسلام کاملا سازگار است.



## «از ساقه تا صدر»

یک مصرع شعر = یک تازیانه

«از ساقه تا صدر» عنوان مستندی به کارگردانی امیرمهریزدان است که به مروری بر زندگی فرهنگی، حماسی و انقلابی استاد دکتر سید علی موسوی گرمارودی می پردازد.

دکتر «سید علی موسوی گرمارودی» از جمله شاعران معاصر است که مع الأسف جز چند شعر کتاب ادبیات دبیرستان چیزی از او نخوانده ایم و از زندگی و شخصیت وی کمتر اطلاعی داریم.

به جرأت می توان گفت استاد موسوی گرمارودی، بنیانگذار شعر نو آیینی ست و یا لا اقل اولین و مهمترین سروده های این حوزه را از آن خود دارد. شخصیتی که علاوه بر سرایش شعر نو آیینی، بخش مهمی از زندگی خود را صرف مبارزه با رژیم طاغوت کرده و بابت این مبارزات، طعم آب خنک زندان را نیز چشیده است! نه یک و دو سال که چهار سال.

در زندان، بابت هر مصرع از شعر «بهار خون» خود یک تازیانه خورده است، زبان فرانسه را آموخته و انبوهی از خاطرات تلخ و شیرین زندگی خویش را رقم زده است.

مراوده و بعضاً رفاقت نزدیک با اشخاصی چون مرحوم جلال آل احمد، شهید دکتر شریعتی، شهید آیت الله مطهری، شهید عباس شریف واقفی، شهید محمدعلی رجایی و بسیاری از انقلابیون مشهور و گمنام، بر عمق و جذابیت زندگی این شاعر انقلابی می افزاید.

در کنار تمام این افتخارات اما، نکته ای در زندگی استاد گرمارودی هست که سالها و حتی تا به امروز، زندگی وی را تحت تأثیر قرار داده و همواره آماج بدبینی ها و بعضاً بدگویی ها کرده است. حضور در کنار بنی صدر است.

«از ساقه تا صدر» روایتی به دور از پیرایه و غمزه های شاعرانه و ادبی است و سعی کرده تا سلیس و روان، زندگی این شاعر اسوه را برای همگان تصویر نماید. روایتی که زندگی شاعرانه و مجاهدانه ی گرمارودی را یک جا دیده و سعی کرده از هیچ یک غفلت نرزد.



## تذکره مخملیه

### محمدحسین علیان

چیزی را، پس ترک وطن کرد. و چون میرفت مریدان پهلوی ارادتش گزیدند و پی اش دویدند که به کجا میروی ای پیر؟ گفت به سفر قندحار (به همین غلیظی) و چون از اوغناستان باز آمد، مخمل را حرمتی پدید آمد در میان اجانب و اجاهل. وی برای تبادل فکری با آنها به تبدل فکر خودش اقدام و هیبت خود را تغییر داد. او که به عدد موی گوسپندان در صورتش ریشم و پشم داشت اکنون مورچه با ترکور هم نمیتواند از صورتش بالا برود. رفقای قدیم چون او را دیدند اول پنداشتند که برای فیلمی کمدی لباسی مسخره پوشیده ولی نه مثل اینکه جدیست. از این رو رفقای قدیم او وی را مضحک قابل ترحم نامیدند.

روزی مخمل را گفتند: از چه رو درمجامع دشمنان ایرانیان، صهاینه گرد آمدی. گفت: در طلب وحدت هستم. و به احترام این سخن، تا چند روز تمام قائلین به وحدت وجود به احترامش تشنج گرفتند و این خود بالاترین مرتبه وحدت بود.

سینماگران و ژینگولگران جوانی بودند که تابع راه وی شدند و برای اجانب و صهاینه دم میتکانند. ندا آمد برای چه می‌مید. گفتند می‌خواهیم به مقام محسن برسیم. گفتند که هیئات که به راه او نخواهید رسید که نه حزنبل گریتان به او میرسد و نه اسکل گریتان.

و چون به مقام فنا رسید خواست که همه را به فنا دهد. از این رو از باب تواضع به مردمی که او را بالا برده بودند توهین میکرد. حتی میخواست در فتنه ۸۸ مردم را به فنا دهد که عوام الناس راهشان را از این عارف فانی جدا و او را در مقام فنای خویش رها کردند. و از دیگر مقامات او این بود که رهبرانقلاب را به یزید زمان منسوب کرد بی آنکه اعتقادی به زشتی اعمال یزید داشته باشد.

شرح حال او کم کنیم که زبان ما کجا به ذهن متوهم او برسد. حتی لایبَلُغُهُ وَ هُمْ الْمَتَوَهَّمِينَ بغایت وَ هَمِهِ. که وهم متهمین به غایت شخصیت بغایت متوهمش نخواهد رسید ابد.

آن متحول شده‌ی یک شبه، آن صاحب اثر "نون و گلدون" و "گبه". آن مثلا خوشتیپ پاییبون پوش، آن ارزشهای اسلامی را "دستفروش". آن سکاندار سینمای بی هویت، آن "باغبان" خارهای بهائیت. آن سیاه نمای روزگار آن مسافر "سفرقندها". آن مردک علاف، "آکتور سینما"، "پرزیدنت" محسن مخملباف. شکاک پوچ گرا بود و سینه چاک آمریکا. گویند که در مورد هر چیزی شک میکرد و هر که به طرفش می آمد دک می‌کرد.

در احوال وی نقل است در نوجوان انقلابی داغی بود که که با این «توجیه» که نمیخواهد «سرد تراز آتش» باشد، پس از انقلاب در جمع اخوان حوزه هنریه «آکتور سینما» و «هنرپیشه» گردید و گفت: «سلام سینما». گویند در اوائل کار روشنفکران را «بایکوت» می‌کرد. لکن با شنیدن «زنگها» ی جشنواره‌ها، «دو چشم بی سوی» خویش را در برابر «فریاد مورچه‌ها» بست و با خوردن «سیپ» دشمن از «نوبت عاشقی» خارج شد و آن «مرد ناتمام» مانند یک «بایسکیل ران» شروع به چرخیدن دور خودش کرد. بدین ترتیب، از رفتار انقلابی اش «توبه» نصح کرد و از «مدرسه رجایی» به «مدرسه ای که باد برد» آمد. و بدین ترتیب با این «توجیه» که به «عروسی خوبان» برسد با «حراجی روح» خود به هیبت «مردی که زن شد» درآمد و «دستفروشی» «باغ بلور» خویش شد.

وی سالکی بود که مقامات سلوک را یکی پس از دیگری طی کرد. و چون توبه کرد شکی مضاعف بروی نائل گشت که او را به مقام حیرت رساند و خود و دنیای دنی را پوچ و سیاه دانست. پس به سیاه نمایی روی آورد. روزی مریدان از او پرسیدند: یا مخمل کارت چیست؟ گفت: کار سینمایی میکنم. گفتند: اینکه بیشتر کار سیاه نماییست تا کار سینمایی. گفت سینمایی همان سیاه نمایی است که مخفف شده است.

دیگر به مرتبتی از عرفان رسیده بود که نه کسی را قبول داشت نه

### برای شما عاشقان سینما فال می‌گیریم تا بفهمید با خودتان

#### چند چندید:

**فال امروز**  
محمدحسن یعقوب کوره‌پز

نقد را بود آیا که عیاری گیرند  
تا بر صومعه داران پی‌کاری گیرند  
مصلحت دید من آن است که یاران هم‌کار  
بگذرانند و سرطویاری گیرند

شما مایه دلگرمی دیگران هستید. نقدی که شما بر فیلم قبلی آقای عیاری نوشته اید باعث شد بقیه نشریه داران هم نظرشان نسبت به این فیلم مثبت شود. چون کسی خودش حال نداشت فیلم را تا ته ببیند و وسط فیلم اگر خوابش نمی‌گرفت بلند می‌شد می‌رفت پی کارش. ما خیلی به شما مدیون هستیم و لذا نقد شما را نقدا جواب دادیم. اما شما هم باید تلاش‌تان را بیشتر بکنید. مصلحت در این است که هیئت تحریریه فعلا کارهای دیگر را اول کنند و با کمک شما پنجاه تا نقد مثبت برای فیلم آماده کنند که هر روز یکی را بفرستیم برای چاپ تا سر رشته تبلیغات از دستمان در نرود.



طراح: سجاد جعفری

برای ورود به سینما از حداقل امکانات اطرافتون استفاده کنید. مثلاً الان فیلمهایی رو برورس که درباره تنهایی انسان معاصر باشه و بازگر نقش اول نصف فیلم رو زل میزنه به افق...!



تحریریه: سجاد اسلامیان - نوید نوروزی

محمد رضا پورصفا - عارف جعفری - محمدرضا شهبازی

همکاران: رسول احمدی - محمد صادق اسحاقی

اکرم گوهریان - زینب تختی - سید امیرحسین فتاح حسینی

گرافیک: مهدی بادیه پیمان

6thammarpopularfilmfestival

@ammarmfilmfestival

ammarmfilm.ir

## اسمش فجر است، رسمش زجر است

آزمین رادمند

اسم جشنواره فجر را که میشنوی، خب انتظار داری فیلم های این جشنواره مربوط به چیزی باشد به نام فجر. وگرنه اینهمه اسم، چرا اسمش را گذاشتند فجر؟ مثلاً می گذاشتند اصغر، طلعت یا چه میدانم کامبیز! اما گذاشته اند فجر. زمان برگزاری جشنواره هم که در بازه ای است به نام دهه فجر. میروی تا اولین فیلم را ببینی. یک خطی فیلم نامه میشود این:

یک نفر روستایی عاشق یک نفر روستایی دیگر میشود ولی چیزی به نام حیا مانع ازدواج این دو زوج میگردد. و همین طور فیلم دوم و سوم و چهارم..

من تا حالا فکر میکردم که والدین اسمهای بی معنی روی بچه هایشان میگذارند اما حالا فهمیدم که نخیر! بعضی وقتها بچه ها که بزرگ میشوند کاری میکنند که اسمهایشان بی معنی به نظر بیاید. آدم باید بچه خلف باشد.

و بنده از همین تریبون، برای رفع ابهام از چنین مسائلی چند اسم پیشنهاد میدهم: به جای جشنواره فجر: جشنواره من (بروز کن)، جشنواره کیک زرد، جشنواره حاضر من برا خوشحالی شما شلوارم در بیارم، جشنواره هر چی شما بگین، جشنواره کبیر تر از صغیر و...

## رباعی روز

حجت رجبی

نه رنگ و لعاب دارد و نه اعجاز  
نه باز سخن گفته نه در پرده و راز  
باید که صراحتاً به بعضی ها گفت  
ای دوست به جان مادرت فیلم نساژ!!!